

به مناسبت صدمین سالگرد قتل رزا لوکزامبورگ و کارل لیبنکشت



در ۱۵ ژانویه ۱۹۱۹ رزا لوکزامبورگ و کارل لیبنکشت توسط افسران نیروهای ضد انقلابی تحت رهبری «نوسکه» (Noske)، و با حمایت حکومت سوسیال دموکرات‌های راست به رهبری «ابرت» (Ebert) و «شایدمن» (Scheidemann)، در برلین کشته شدند. رزا لوکزامبورگ و کارل لیبنکشت برجسته‌ترین رهبران انقلابی پرولتاریای آلمان بودند و با ترور آنان بورژوازی آلمان ضربه عظیمی بر جنبش کمونیستی و کارگری آن کشور وارد کرد. با این وجود جنبش انقلابی پرولتاریای آلمان تا سال ۱۹۳۳ ادامه یافت و در نهایت فقط با خیانت بوروکراسی مسکو و روی کار آمدن نازی‌ها در سال ۱۹۳۳ شکست خورد.

«خطاب به پرولتاریای همه جهان» توسط کارل لیبنکشت، رزا لوکزامبورگ، فرانتز مهرینگ و کلارا زتکین، رهبران اصلی «اتحادیه اسپارتاکوس»، نوشته شد و در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۱۸ در نشریه «پرچم سرخ» (Die Rote Fahne) منتشر شد.

خطاب به پرولتاریای همه جهان

نوامبر ۱۹۱۸

پرولترها! کارگران مرد و زن! رفقا!

انقلاب وارد آلمان شده است! توده‌های سربازانی که چهار سال به خاطر سود سرمایه‌داری به کشتار هم‌دیگر کشانده شده بودند؛ توده‌های کارگرانی که چهار سال استثمار و چلانده شدند، و گرسنگی کشیده‌اند؛ اکنون برخاسته‌اند. میلیتاریسم «پروس»، این وسیله هولناک سرکوب، این بلا بشریت، متلاشی شده بر زمین افتاده است. برجسته‌ترین نماینده‌های آن، و بدین ترتیب برجسته‌ترین مقصران این جنگ، «قیصر» و «ولیعهد»، از کشور فرار کرده‌اند. شوراهای کارگران و سربازان در همه‌جا شکل گرفته‌اند.

پرولتراهای همه‌ی کشورها، ما ادعا نمی‌کنیم که در آلمان همه‌ی قدرت واقعاً در دست کارگران قرار دارد، که پیروزی کامل انقلاب پرولتری نقداً به دست آمده است. همه‌ی آن سوسیالیست‌هایی که در ماه اوت سال ۱۹۱۴ ارزشمندترین دارایی ما، «بین‌الملل»، را تسلیم کردند، و برای مدت چهار سال به طبقه‌ی کارگر آلمان و «بین‌الملل» خیانت کردند، هنوز هم در حکومت هستند.

اما، پرولتراهای همه‌ی کشورها، اکنون خود پرولتاریای آلمان با شما سخن می‌گویند. ما معتقدیم که حق داریم به نمایندگی آن با شما سخن گوییم. از همان روز اول این جنگ، ما تلاش کردیم که با تمامی توانمان وظیفه‌ی انترناسیونالیستی خود را با مخالفت با حکومت جنایتکار خود، و اعلام آن به عنوان مجرم واقعی جنگ، انجام دهیم.

اکنون، در این لحظه، ما در قبال تاریخ، در قبال «بین‌الملل» و پرولتاریای آلمان، اثبات شده‌ایم. توده‌ها مشتاقانه با ما توافق دارند. تعداد بیشتر و بیشتر پرولتاریا پی برده‌اند که زمان تصفیه حساب با حاکمیت طبقه‌ی سرمایه‌دار فرا رسیده است.

اما پرولتاریای آلمان به تنهایی نمی‌تواند این وظیفه عظیم را انجام دهد. بل که تنها با توسل به همبستگی پرولتاریای کل جهان است که می‌تواند مبارزه کند و به پیروزی دست یابد.

رفقای ملت‌های درگیر جنگ، ما از موقعیت شما آگاه هستیم. ما به خوبی می‌دانیم که حکومت‌های شما، اکنون که در جنگ پیروز شده‌اند، چشم‌های بسیاری از اقشار اجتماعی را با درخشندگی ظاهری پیروزی خود، خیره می‌کنند. ما می‌دانیم که موفقیت در امر کشتار منجر به فراموشی مردم در مورد علل و اهداف آن می‌شود. اما ما همچنین می‌دانیم که در کشورهای شما هم این پرولتاریا بود که بیشترین فداکاری، اعم از دادن خون و از دست دادن اموال را متحمل شده است؛ می‌دانیم که پرولتاریا از این همه کشتار وحشتناک خسته شده است؛ که پرولترا به خانه‌اش بر می‌گردد و در آنجا با فقر و بدبختی مواجه می‌شود، در عین حال که میلیاردها در دست چند سرمایه‌دار متراکم می‌شود. پرولتاریا تشخیص داده است، و همچنان هر چه بیشتر متوجه خواهد شد، که حکومت‌های شما نیز به خاطر سرمایه‌های بزرگ درگیر جنگ شدند. و همچنین درک خواهد کرد هنگامی که حکومت‌های شما از "عدالت و تمدن"، و "حفاظت از ملت‌های کوچک" سخن گفتند، به معنای کسب سود سرمایه‌داری است؛ همان‌طور که حکومت ما در مورد "دفاع از میهن" صحبت کرد. پرولتاریا درک خواهد کرد که این صلح "عدالت" و «اتحادیه‌ی ملل»، همان راهزنی پست مانند صلح «برست-لیتوفسک» خواهد بود. در هر دو مورد همان هوس بی‌شرمانه، همان اراده برای سرکوب، همان قصد برای استفاده از قدرت و وحشیانه‌ی سلاح‌های مرگبار در حداکثر ظرفیت موجود است.

امپریالیسم هیچ کشوری "تفاهم متقابلی" را قبول ندارد. فقط یک حق را می‌شناسد: سود سرمایه. تنها یک زبان را می‌شناسد: شمشیر. تنها یک روش را می‌شناسد: خشونت. و هم در کشور ما و هم در کشورهای شما، حرف کنونی‌اش در مورد «اتحادیه‌ی ملل»، "خلع سلاح"، "حقوق ملل کوچک"، "خودمختاری همه‌ی کشورها"، چیزی جز دروغ‌ها و واژه‌های توخالی همیشگی حاکمان به منظور به خواب بردن پرولتاریا نیست.

پرولتراهای همه‌ی کشورها! این جنگ باید جنگ نهایی باشد! ما این را به دوازده میلیون قربانی به قتل رسیده مدیون هستیم؛ ما این را به فرزندان خود مدیون هستیم؛ ما این را به بشریت مدیون هستیم.

به خاطر این جنگ وحشیانه اروپا به ویرانی کشیده شده است. دوازده میلیون جنازه صحنه‌های مخوف این جنایت امپریالیستی را پوشش می‌دهند. گل سرسبد جوانان و بهترین مردان خلق‌ها درو شده‌اند. نیروهای مولده‌ی بیشماری

نابود شده اند. به خاطر این خونریزی بی سابقه در تاریخ، بشریت در شرف نابودی ناشی از آن است. هم فاتحان و هم مغلوبان در لبه پرتگاه ایستاده‌اند. بشریت با قحطی وحشتناکی تهدید می‌شود، با توقف کل ساختار تولید، اپیدمی‌ها و انحطاط.

و جنایتکاران بزرگ این هرج و مرج هولناک، این آشوب لجام گسیخته: طبقات حاکم، چه شدند؟ آنان قادر به کنترل آنچه که رها کرده‌اند، نیستند. جانور سرمایه‌داری جهنم جنگ جهانی را به وجود آورد. اما قادر به دفع آن نیست، قادر به احیاء نظم واقعی نیست، قادر به تضمین نان و کار، صلح و فرهنگ، عدالت و آزادی، برای بشریت شکنجه شده نیست.

آنچه را که طبقات حاکم تحت عنوان صلح و عدالت دارند تهیه می‌کنند، تنها عملیات جدیدی برای اعمال نیروی وحشیانه‌ای است که از آن «هیدرا»^{*} سرکوب، نفرت و جنگ‌های خونین جدید، از هر سو سر برمی‌افشانند.

تنها سوسیالیسم قادر به دست یافتن صلح دائمی است، و می‌تواند هزاران زخم بشریت را معالجه کند، دشت‌های اروپایی را، که از سوی سوار نظام آخرالزمانی جنگ له شده‌اند، به باغ‌های شکوفا تبدیل کند. تنها سوسیالیسم قادر است نیروهای مولد تخریب شده را ده برابر قبل جایگزین کند، تا تمام انرژی‌های فیزیکی و اخلاقی بشریت را بیدار کند، می‌تواند نفرت و افتراق را با همبستگی برادرانه، هماهنگی و احترام هر انسان، جایگزین کند.

زمانی که نمایندگان پرولترهای همه‌ی کشورها زیر پرچم سوسیالیسم با هم دست دهند، صلح در طول چند ساعت برقرار خواهد شد. در آن مقطع دیگر هیچ دعوی در مورد کرانه‌ی چپ رودخانه‌ی «راین»، بین النهرین، مصر یا مستعمرات وجود نخواهد داشت. در آن مقطع تنها یک قوم وجود خواهد داشت: کارگران از همه‌ی نژادها و زبان‌ها. در آن مقطع تنها یک قانون وجود خواهد داشت: برابری همه انسان‌ها. در آن مقطع تنها یک هدف وجود خواهد داشت: رفاه و پیشرفت برای همه.

بشریت با این گزینه مواجه است: انحلال و فروپاشی در درون هرج و مرج سرمایه‌داری و یا بازسازی از طریق انقلاب اجتماعی. ساعت تصمیم‌گیری فرا رسیده است. اگر شما به سوسیالیسم اعتقاد دارید، اکنون زمان آن است که آن را با اعمال خود نشان دهید. اگر شما سوسیالیست هستید، اکنون وقت اقدام فرا رسیده است.

پرولترهای همه‌ی کشورها، اگر ما شما را به یک مبارزه مشترک فرا می‌خوانیم، آن به خاطر سرمایه‌داران آلمانی، که تحت برچسب «ملت آلمان» تلاش می‌کنند که از عواقب جنایات خود شانه خالی کنند، نیست. این فراخوان به خاطر شما و ما است. این را در نظر داشته باشید: سرمایه‌داران پیروز کشور شما آماده هستند تا انقلاب ما را با ریختن خون سرکوب کنند، انقلابی که آنان چون انقلابی در کشور خود از آن می‌هراسند. شما خودتان از طریق این "پیروزی" هیچ آزادی فراتری به دست نیاورده‌اید، اما بردگی بیشتری می‌کشید. اگر طبقات حاکم شما موفق به خفه کردن انقلاب پرولتری در آلمان و روسیه شوند، سپس با نیروی دوبرابر بر علیه شما حرکت خواهند کرد. سرمایه‌داران شما امیدوارند که پیروزی آنان بر ما و روسیه انقلابی به آنان چنان قدرتی بدهد که بر شما بتازند و هزاره استعمار را بر قبر سوسیالیسم بین‌المللی بنا کنند.

بنابراین، ما به شما می‌گوییم: مبارزه کنید! اقدام کنید! زمان بیانیه‌های توخالی، قطعنامه‌های افلاطونی و واژه‌های شگفت‌انگیز، سپری شده است: ساعت اقدام برای «بین‌الملل» فرا رسیده است. ما از شما درخواست می‌کنیم که:

شوراهای کارگران و سربازان را در همه جا برپا کنید تا قدرت سیاسی را به عهده بگیرند و همراه با ما در راه صلح فعالیت کنند.

این وظیفه «لوید جورج» و «پوتنکره»، و نه «سونینو»، «ویلسون»، «ارزبرگر» یا «شایدمن»^{**} نیست، که صلح را برقرار کنند. صلح باید زیر پرچم برافراشته انقلاب جهانی سوسیالیستی به تحقق یابد.

پرولترهای همه‌ی کشورها! ما شما را به تحقق وظیفه‌ی رهایی سوسیالیستی فرا می‌خوانیم؛ تا به دنیای آلوده شده چهره‌ی انسانی آن را باز گردانیم؛ تا شعاری که در گذشته هم درود ما و هم وداع ما بود، به صحت برسد: "و فردا «بین‌الملل» راه بشریت خواهد شد!"^{***}

*زنده باد انقلاب جهانی پرولتاریا!
پرولترهای همه کشورها متحد شوید!*

از سوی «اتحادیه‌ی اسپارتاکوس»، کارل لیبکنشت، رزا لوکزامبورگ، فرانتز مهرینگ و کلارا زتکین.

* «هیدرا»: هیولای وحشتناکی در اساطیر یونانی.

** «لوید جورج»، نخست وزیر بریتانیا، «پوتنکره» رئیس جمهور فرانسه، «سونینو» سیاستمدار ایتالیایی، «ویلسون» رئیس جمهور آمریکا، «ارزبرگر» و «شایدمن» سیاستمداران آلمانی بودند.
*** از سرود اترناسیونال.

منبع: رزا لوکزامبورگ، «آثار منتخب سیاسی» (انگلیسی)، انتشارات «مانتلی ریویو»، نیویورک، ۱۹۷۱، ص. ص.
۳۵۲-۳۵۶

ترجمه: هیأت مترجمان «میلیتانت» (militaant.com)، ۱۵ ژانویه ۲۰۱۹ - ۲۶ دی ۱۳۹۷.